

آن

www.ketab.ir

دکتر عباس امیدالله کاشانی

سرشناسه: امیدالله کاشانی / عباس
عنوان و نام پدیدآور: آن / عباس امیدالله کاشانی
مشخصات نشر: تهران - البرز فردانش ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۷۱ ص - رقعی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲-۵۹۰-۶

موضوع: داستان های فارسی - قرن ۱۴
ده بنای کنگره: ۱۳۹۶ پ ۴ الف ۴۵۳ / PIR۸۳۵۸
بندی دیویی: ۸۸۳/۶۲
شماره کتابشناسه: ۴۹۱۷۰۶۴

عنوان آ:
نویسنده: عباس امیدالله کاشانی
طراح جلد: رزا
مشخصات نشر: تهران - البرز فردانش ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۷۱ ص - رقعی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲-۵۹۰-۶
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
تیراژ: ۱۰۰۰
صحافی / چاپخانه: نشاط
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

کتابخانه ملی و معنوی این اثر برای مولف محفوظ می‌باشد.



البرز فردانش:

ضلع شمال غربی پل سیدخندان - اول خیابان شقایق - کوچه بن بست اول - پلاک ۲ - واحد ۱۲
آدرس ایمیل: alborz22 887501@ yahoo.com
تلفن: ۲۲۸۸۷۵۰۱ - ۲۲۸۶۰۲۶۰

مقدمه...

به قول دکتر الکساندر کمار، انسان این موجود ناشناخته و معجونی از تقوی و فجور اساساً قابل پیس بردنی نیست، حرکات، رفتار و کردارش مبین اختیار و انتخاب اوست، او می تواند هم چون بنده ای تسلیم مطلق ارباب خویش باشد و نیز زمانی بر همه ی سزای طغیان کند و از خوی تکبر و تفرعن دعوی خدایی کند او می تواند در شبی از فرش به عرش عروج کند و زمانی از قله های رفیع حقیقت و کمال به فسر حوض نالت سقوط کند. نمونه های این معنا را در طول تاریخ مشاهده می کنیم از موارد بارز آن «حرّ» در روز واقعه عاشورا نیز سقوط بلعم باعورا که هر دو حیثیت خود را به نگاهی باخت.

داستان آن نیز از مواردیست که حکایت از انقلاب درونی یک انسان شرور و غارتگر است که با شنیدن آیه ای شریفه در قرآن کریم در فضایی به خصوص به یک باره عنان بندگی و عبودیت را به گردن انداخت و از اولیا و ابرابر و بندگان و مریدان خاص امام جعفر صادق گشت.

آن در لغت در کوتاه‌ترین لحظه زمان اطلاق می‌گردد و در طول زمان حیات انسان گاهی همه غبار نسیان و غفلت را از چهره فطرت او برمی‌دارد و او را به راه هدایت رهنمون می‌سازد.

از آنجا که سرشت و فطرت انسان بر فطرت خداوند است اما هدایت و نیل به کمال انسان استثناء و برخلاف بقیه مخلوقات خداوند تشریعی و غیرتکونی است و همین امتیاز اختیار و انتخاب انسان دلیل کرامت و خلاصت الهی اوست و او خود صراط مستقیم و یا سبیل ضلالت و گمراهی را برمی‌گزیند و گاهی بر آفریدگار خود مغرور و طغیان می‌کند و یا عبد صالح و تسلیم مطاع فرمان او می‌شود اما غیر از این گاهی همین موجود دردانه عمری را به بیراهه می‌رود، نافرمانی و تمرد می‌کند، غارت و چپاول می‌کند و حقوق خود و بنده را زیر پا می‌گذارد به گونه‌ای که فساد و تباهی انگار در او نهادینه می‌شود اما همین انسان در یک شب مهتابی بنگاه از یک خواب غفلت و بی‌خبری بیدار می‌شود و رستاخیزی عظیم در روح و روان خود احساس می‌کند و به یاد رزق الهی که ذره‌ای بی‌مقدار بود در یک آن به آغوش خداوند پناه می‌برد و از حق بانش راه عوض می‌کند و رو به خورشید و پشت به شیطان همه نور می‌شود، نیری که او را از کویر ظلمت به بهشت سرسبز نور رهنمون می‌شود و به یکباره خود را امام و قبله فرشتگان می‌بیند، صدای تکبیر او را همه آسمانیان می‌شنوند و به او اقتدا می‌کنند.

آری انسان چنین شگفت انگیز است، او که به حجت به این مقام نایل شده
حالا خود حجتی است که دیگران را به خدا دلالت می کند و دیگر هیچ
شیطانی قادر نیست که او را به هبوط کشاند و به دوزخ تبعید نماید.
شأن و مرتبه و احترام انسان به اندازه ای است که حرمتش از خانه
خدا کمتر گرامتش به قدری است که اگر خود را بشناسد خداوندش را
عارف شده است.
آنقدر محبوب آفریدگار است که پروردگارش از روح خود به آناتومی او
دمید و آفرینش دیدار داد.
همه مخلوقات هستی در آسمان و زمین خداوند را تسبیح می کنند اما
تفاوت همه آفریده ها با انسان آن است که انسان نیز خداوند را تسبیح
می کند اما می داند و ستایش می کند، او همانه پرستش می کند.
او با آزادی و اختیار پرستش می کند.
او با انتخاب خود پرستش می کند.
اما همه غیر او مجبور به تسبیح هستند.
انسان از همه که می تواند سرباز می زند و به خاطر خدا هیچ نمی کند.
او از همه لذات خود می گذرد تا رضایت آفریدگارش را طلب کند.
او حکومت نفس خود را با کودتای معرفت سرنگون و خود را محکوم و
مأمور خداوندش می کند و این همه را با علم و معرفت و انتخاب خود
انجام می دهد.

در داستان «آن» نیز انسانی در میانه بیراهی خود در شیبی مهتابی دعوت
خدایش را به گوش جان شنید و در دم لبیک گفت و به یکی از اولیا خدا
تبدیل شد.

انشاء الله که نقل این روایت مفید واقع گردد.

دکتر عباس امیدالله کاشانی

www.ketab.ir